

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نویسنده : جان محمد
ایالت اریزونا، امریکا
بیست و ششم می، ۲۰۰۹

تصحیح اشتباهات املائی

پاسخی عنوانی جناب محترم معروفی

به ادامه بحث در ارتباط به املائی زبان دری، اخیراً، نوشته دیگری از جناب محترم خلیل الله معروفی تحت عنوان "فیروزه بی - یک فیروزه؟ فیروزه بی - از فیروزه!"، در وب سایت افغانستان آزاد - آزاد افغانستان به نشر رسیده است. همان گونه که حدس میزد، ایشان در نوشته شان پیشنهادات و نظریاتی را که من در مورد املائی زبان دری در یکی دو مقاله قبلی ام ارائه کرده بودم، رد نموده و به دفاع از شیوه نگارشی که خود شان توصیه میکنند، پرداخته اند. من پیرامون نکات ارائه شده از سوی محترم معروفی در نوشته های بعدی ام به تفصیل توضیح خواهم داد. اما دو چیز مرا وادار به نوشته کنونی مینماید: یکی به کارگیری جملات کنایه آمیز از سوی آقای معروفی است که در نوشته شان به وفور دیده میشود، از قبیل "فیرهای هوئی"، "گلّه ما از کسانیت که خود رهنمود نگارش را پیش میکشند!!!"، "... فصاحت جمله را تا سطح کلام نوآموزان سقوط میدهد"، "جناب جان محمد میبینند، که نه هرچه زرد جلوه فروخت طلاست!!!" و مثالهای دیگری از این قبیل، که خواننده گان خود میتوانند آنها را در نوشته آقای معروفی بخوانند. من احساس ناراحتی میکنم که به شخصی چون محترم معروفی یادآوری کنم که هیچ لزومی ندارد تا ایشان برای بیان موقف و دیدگاه خود از این گونه جملات، که آشکارا شخصیت، فهم و صلاحیت مخاطب شان را مورد سوال قرار میدهد، استفاده کنند، مگر آن که هدف ایشان چیز دیگری به جز از ادامه بحث در باره املائی زبان دری باشد. هرگاه ایشان نمیخواهند به بحث کنونی، که یگانه هدف بنده از آن همگون سازی املائی و ارتقای سطح آگاهی ما در باب این موضوع است، ادامه بدهند، من عذر ایشان را میپذیرم و بیشتر از این با بحث روی این موضوع باعث ضیاع وقت ایشان نمیشوم. اما، اگر هدف معیاری ساختن املائی زبان دری باشد، در آن صورت، جایی برای کتره و کنایه گفتن باقی نمیماند. امید وارم با ذکر این نکته باعث رنجش خاطر ایشان نشده باشم.

نکته دوم این که آقای محترم معروفی از من خواسته اند تا بکوشم در نوشته هایم هیچ اشتباه املائی و انشایی را مرتکب نگردم. من هم با این خواسته شان صد در صد موافق استم. اما به خاطر باید داشت که اشتباهات املائی و دستوری دو نوع اند. یکی اشتباهاتی اند که نویسنده همیشه آنها را در نوشته خود تکرار میکند. اشتباهات نوع دوم آنهایی اند که صرف همان یک بار در نوشته نویسنده دیده میشوند و شاید دیگر تکرار نگردند. در صورت اول، نویسنده باید طرز نگارش معیاری را بیاموزد، اما در صورت دوم اشتباه شاید تایپی باشد یا هم نویسنده متوجه آن نشده باشد، که در این صورت نباید موصوف را به "بیسوادی" متهم نمود. آقای معروفی نیک میدانند که اکثریت مطلق نویسنده گان اشتباهات املائی و انشایی خود را، با وجودی که صورت درست آن را هم میدانند، در نوشته های شان نمیبینند، به خصوص اگر طول نوشته شان از چند صفحه تجاوز کند. در گذشته ها، برای رفع این نقیصه طوری معمول بود که هر نوشته بی، پیش از نشر آن، از زیر نظر یک مصحح مجرب میگذشت. اما متأسفانه، حال چنین طرز العملی یا هیچ وجود ندارد یا هم اگر دارد، بسیار به ندرت از آن کار گرفته میشود. فلذا، باعث خوشنودی ام خواهد شد اگر کسی نوشته هایم را تصحیح نموده و دوباره به من بفرستند تا من اشتباهاتم را اصلاح نمایم.

گفتم که اکثریت مطلق نویسنده گان اشتباهات املائی خود را نمی بینند و شما، آقای معروفی، هم از این امر مستثنی نیستید. در مقاله اخیر تان، که در فوق از آن نام برده ام، شماری از اشتباهات تایپی، املائی و حتی دستوری دیده میشوند، که من به اجازه شما، به تعدادی از آنها در ذیل اشاره میکنم تا خود ببینید که نوشته های شما هم از اشتباهات املائی و دستوری عاری نیستند.

در نوشته تان، اشتباهات زیر دیده میشوند: **زبان‌شناسی، گوناگون، برخوردار، آخرین، برآورده ساخته و بتواند، نمیدهدمش، دگری.**

اشتباهات فوق را من بالترتیب به این صورت تصحیح میکنم: زبان‌شناسی، گوناگون، برخوردار، آخرین، برآورده ساخته بتواند، نمیدهدمش، دیگری.

در نوشته تان، شما حرف اضافه "به" را در ارتباط به کلمات ما بعد آن به دو نوع مینویسید: "بکار بندیم" و "به کار میبندد". البته بعضیها، به شمول جناب شان، "به" را در اکثر موارد با کلمه بعدی یک جا مینویسند. اما بر اساس قواعد معمول در زبان نوشتاری دری، حرف اضافه "به" با کلمه مابعد خود چسبانده نمیشود، به استثنای مواردی مانند، بدان جهت، بدین صورت و غیره. صرف نظر از این، اگر شما خواهان چسپاندن "به" با کلمه مابعد آن هستید، پس بهتر است همیشه از همین یک قاعده پیروی کنید.

افزود بر این، شما پسینه "را" را هم گاهی با کلمه ماقبل از آن یک جا مینویسید و گاهی هم جدا از آن، که این شیوه هم بدون دلیل موجهی یادگیری و یاددهی زبان نوشتاری را دشوار میسازد. در این مورد هم، شیوه پذیرفته شده و منطبق با اصول زبان نوشتاری دری همانست که پسینه "را" جدا از کلمه ماقبل آن نوشته شود.

علاوه بر اشتباهات فوق، در نوشته تان اغلاط دستوری هم دیده میشوند. مثلاً، شما نوشته اید:

- "از دانشمندان نامور ایران فقط مرحوم استاد "عبد الحسین زرین کوب" - مولانا شناس مشهور ایران- و استاد مرحوم داکتر "ذبیح الله صفا" - مؤلف کتاب هشت جلدی "تاریخ ادبیات در ایران" شیوه ای را به کار می بندد ..."

چون فاعل جمله جمع ذیروح است، فعل هم باید "به کار میبندند" باشد تا با فاعل جمع مطابقت داشته باشد.

- "ایشان از شیوه ای پیروی میکنند، که بنده نیز برای درست نویسی پیشنهاد کرده ام." در این جمله، چون فاعل مفرد غایب است، آقای معروفی باید "پیشنهاد کرده است" مینوشتند.

- ""بحیره" به فتح اول و کسر دوم - ناقه یا شتر ماده ای که ده بار چوپه داده باشد (در دری ما "دومی" را بجای "اولی" بکار میبرند و در ایران هیچکدام ایشان را). " کار برد ضمیر "ایشان" در این جمله نادرست است زیرا این ضمیر برای اسمای جاندار به کار میرود. در این جمله، به جای "ایشان" باید از ضمیر متصل "شان" یا ضمیر "آنها" استفاده میشد.

- ""بلند" در دری افغانستان محض مقابل "پست" استعمال میگردد. فارسی ایران "بلند" را علاوه در معنای "طویل، دراز" نیز استعمال میکنند." از لحاظ دستوری این جمله آقای معروفی نادرست است. در جمله فوق باید قبل از "فارسی" حرف اضافه "در" به کار برده شود. حرف اضافه "در" صرف در موارد خاصی قابل حذف است و آنهم در زبان گفتاری.

- "... ایشان با چنین مأمولی، بسا باریکیهای" تقریر از تحریر "را جواب گفته نمیتوانند...." این جمله، که امثال آن به وفور در نوشته محترم معروفی دیده میشوند، کاملاً بر زبان گفتاری دری استوار است. نخست، در زبان نوشتاری، وقتی ما فعل "جواب گفتن" را به کار میبریم، قبل از مفعول باید حرف اضافه "به" بیاید. بناءً بر اساس زبان معیاری دری، در جمله فوق باید پیش از "بسا" حرف اضافه "به" استعمال شود و پسینه "را" از جمله حذف شود. ثانیاً، ساختار "گفته نمیتوانند" تنها در زبان گفتاری مورد استعمال دارد و نباید در زبان نوشتاری به کار گرفته شود. مثلاً، در زبان گفتاری ما میگوییم: "به مهمانی آمده نمیتانم"، اما در زبان نوشتاری عین جمله را باید چنین نوشت: "نمیتوانم به مهمانی بیایم؛ یا به مهمانی نمیتوانم بیایم." بناءً، جمله آقای معروفی را من به این شکل تصحیح میکنم: ایشان با چنین مأمولی، نمیتوانند به بسا باریکیهای "تقریر از تحریر" جواب بگویند؛ یا ایشان با چنین مأمولی به بسا باریکیهای "تقریر از تحریر" نمیتوانند جواب بگویند."

در حال حاضر، استفاده از قواعد زبان گفتاری در زبان مکتوب در نوشته های نویسنده گان دری و فارسی بیشتر از هر وقت دیگر دیده میشود. یکی از مثالهای دیگر در زمینه حذف "است" از فعل در زمان ماضی قریب است. در همین نوشته اخیر شان، محترم معروفي، ضمن، به زعم خود شان، بر شمردن اشتباهات املايي در نوشته بنده، چنین فرموده اند: "خود جمله شما از نگاه فصاحت کلام نیز پذیرفتنی نیست. این جمله را باید بشکل "این بزرگترین کشتی است، که تاکنون ساخته شده" اصلاح کرد، چون "است" دوم از فصاحت جمله میکاهد و آنرا تا سطح کلام نوآموزان، سقوط میدهد!!!!"

در قدم نخست باید بگویم که فصاحت کلام را نباید با اشتباهات املايي یا دستوری مغالطه کرد. جمله یی شاید برای من فصیح باشد، اما برای شما نه، که این بیشتر از همه وابسته گی دارد به سلیقه های شخصی من و شما، نه به قواعد دستوری یا املايي زبان مورد بحث. برای من مایه تعجب است که آقای معروفي جمله فوق بنده را نادرست خوانده اند زیرا در جمله من هیچ گونه اشتباه املايي یا دستوری وجود ندارد. اما برخلاف، پیشنهاد آقای معروفي خود خلاف دستور زبان دری است زیرا حذف "است" در صورتی که فعل در زمان ماضی قریب باشد، در زبان نوشتاری مجاز نیست. ما صرف در زبان گفتاری "است" را از فعل در زمان ماضی قریب حذف میکنیم. مثلاً، در زبان گفتاری میگوییم: "احمد نان خورده"، که معادل آن در زبان نوشتاری "احمد نان خورده است" میباشد؛ یا "مکتب نو از سمنت و خشت پخته ساخته شده"، که معادل آن در زبان نوشتاری "مکتب نو از سمنت و خشت پخته ساخته شده است" میباشد. وقتی آقای معروفي توصیه میکنند که ما "ساخته شده" بنویسیم (نه "ساخته شده است") علتش هم همینست که ایشان تحت تأثیر قواعد زبان گفتاری قرار گرفته اند و الی دلیلی وجود ندارد که در زبان معیاری "است" از فعل در زمان ماضی قریب حذف شود.